



# بازاندیشی سازوکارهای حقوق بین الملل در محاکمه دزدان دریایی نوین

دکتر غلامعلی قاسمی<sup>۱</sup>

محمد ستایش پور<sup>۲</sup>

g.ghasemi43@gmail.com

mohamadsetayeshpur@yahoo.com

<sup>۱</sup>. دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه قم

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل

تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۸/۱۰

## چکیده

دزدی دریایی پس از دوره‌ای رکود نسبی در جامعه بین‌المللی و به طور خاص، سواحل سومالی و خلیج عدن ظهور یافته است؛ دزدی دریایی به نحوی در اساس خود تغییر یافته است که به حق می‌توان آن را مرحله‌ای کاملاً نوین از دزدی دریایی دانست. تحول در مفهوم دزدی دریایی (اقدامات دزدان دریایی نوین)، تدقیق در سازکارهای حقوقی در محاکمه آنان را مقتضی می‌دارد. مقاله حاضر، پس از تبیین مؤلفه «نوین» در مورد دزدان دریایی که حکایت از تحول در مفهوم دزدی دریایی دارد، به فراخور این تحول و ارکانی که دارد، به چند و چون احراز مسئولیت دزدان دریایی نوین از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی پرداخته و متعاقب آن، بر صلاحیت دادگاه‌ها در محاکمه آن‌ها نظر دوخته است. نوشتار پیش رو نشان داده است که مضاف بر مسئولیت مستقل، مسئولیت اشتقاقی (مشترک) در مورد چنین دزدانی مطرح است. نیز در راه محاکمه دزدان دریایی نوین باید میان نظام‌های حقوقی داخلی و حقوق بین‌الملل تعامل باشد و مادامی که این همسویی و اراده واقعی در محاکمه چنین دزدانی صورت نگیرد، احقاق حق، عملاً و منطقاً، میسر نخواهد بود.

واژگان کلیدی

دزدان دریایی، دزدی دریایی نوین، محاکمه، عدن، سومالی، همکاری بین‌المللی.

## مقدمه

شوربختانه از دیرباز، دزدی دریایی وجود داشته است و امروزه پس از دوره‌ای رکود، جامعه بین‌المللی با دزدی دریایی به شکلی جدید به طور خاص در سواحل سومالی و خلیج عدن مواجه است (چشمه خاور، ۱۳۸۹: ۱۲۲) که بیشتر ریشه در شرایط داخلی سومالی و به طور کلی ناتوانی این دولت در ساماندهی به جامعه تحت حاکمیت خود دارد. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۲۳۰-۲۳۲) شرایطی که دولت سومالی را به الگوی تمام عیار دولت ناتوان تبدیل کرده است. دزدی دریایی یک مشکل بسیار کهن است که به طور مستقیم و غیرمستقیم، نه تنها به دولت‌ها آسیب می‌زند که بازیگران غیردولتی، خواه فعال باشند خواه غیرفعال را نیز متأثر می‌سازد. به طور مثال، دزدی دریایی، آثار بسیار منفی بر امنیت دریایی و حمل و نقل دارد (Schechinger, 2015: 30).

موقعیت مناسب جغرافیایی سومالی هم که می‌توانست موجبات رونق اقتصادی و بهبود وضع جامعه گردد، امروزه به جولانگاه مناسبی برای دزدان دریایی تبدیل شده است. شورای امنیت سازمان ملل متحد بارها و بارها، در گذر این سال‌ها، با صدور قطعنامه، دزدی دریایی را خطری برای صلح و امنیت بین‌المللی دانسته است و اکیداً توصیه دارد که کم‌اهمیت انگاشته نشود.<sup>۱</sup> مقاله پیش رو بر آن شده است تا از رهگذر تبیین مؤلفه «نوین» در مورد دزدان دریایی به سازکارهای حقوقی مقابله با این دزدان دریایی نظر بدوزد.

### ۱. مؤلفه «نوین» در مورد دزدان دریایی

ایضاح مؤلفه «نوین» در مورد دزدان دریایی، مستلزم آن است تا ضمن اشاره به مفهوم دزدی دریایی در مفهوم سنتی آن، به تحولی که صورت گرفته است پرداخته شود. کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در خصوص دریای آزاد و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها که خود تدوین‌گر قواعد حقوق بین‌الملل عرفی هستند (بیگ زاده، ۱۳۸۹: ۱۸ و ۱۹)

<sup>۱</sup>. <http://www.sharesproject.nl/news/unsc-calls-on-member-states-to-fight-against-piracy-off-the-coast-of-somalia/>

(Schechinger, 2015: 30). مهم‌ترین و اصلی‌ترین کنوانسیون‌های مربوط به جرم دزدی دریایی می‌باشند ((Peppetti, LOSC, 1982: Articles 101 and 58 (2)) (2008: 92) با این حال، دزدی دریایی در سواحل سومالی و خلیج عدن به گونه‌ای است که باید در این راه، به دیگر مقرره‌های حقوق بین‌الملل نیز استناد جست. کنوانسیون رم ۱۹۸۸ در خصوص سرکوب اقدامات غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی<sup>۱</sup> و پروتکل ۲۰۰۵ الحاقی به آن در خصوص سکوه‌های ثابت در فلات قاره، کنوانسیون ایمنی جان اشخاص در دریا ۱۹۷۴، کنوانسیون منع گروگان‌گیری ۱۹۷۹، کنوانسیون مبارزه با فساد ۲۰۰۳، کنوانسیون پالمو ۲۰۰۳ در خصوص مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی، کنوانسیون رتردام ۲۰۰۸ در مورد حمل و نقل بین‌المللی کالا از طریق دریا مهم‌ترین آنان به شمار می‌آیند.

در واقع، هر یک از کنوانسیون‌های گفته شده بدون آن که مستقیماً سخنی از دزدی دریایی، چه شکل کلاسیک و چه شکل نوین آن، به میان آورند متضمن قواعد، موازین و ضوابطی هستند که به فراخور در خصوص جرایمی که دزدان دریایی نوین مرتکب می‌شوند قابلیت اعمال دارد. به طور مثال، چنانچه جرم دزدی دریایی به صورت سازمان‌یافته فراملی بدان گونه که در کنوانسیون ۲۰۰۳ پالمو آمده است ارتکاب یابد، بدون تردید کنوانسیون ۲۰۰۳ مجری خواهد شد؛ چنانچه دزدی دریایی، با گروگان‌گیری همراه باشد همان گونه در سواحل سومالی و خلیج عدن بوده است و متأسفانه جمهوری اسلامی ایران نیز با آن دست و پنجه نرم می‌کند، کنوانسیون ۱۹۷۹ منع گروگان‌گیری تاب اعمال می‌یابد.

کنوانسیون ژنو ۱۹۵۸ در خصوص دریای آزاد و کنوانسیون ۱۹۸۲ در خصوص حقوق دریاهای، صرف نظر از تفاوت‌های نگارشی که دارند، تقریباً تعریف مشابهی از دزدی دریایی ارائه داده‌اند. در خصوص دو کنوانسیون پیش‌گفته، گفتنی است که کنوانسیون متأخر، کنوانسیون متقدم را نسخ نکرده است؛ اگر کشوری عضو کنوانسیون ۱۹۵۸ باشد و کشور دیگر عضو کنوانسیون ۱۹۸۲، آن گاه، مفاد کنوانسیون ۱۹۵۸ قابلیت اعمال

<sup>۱</sup> . Convention for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Maritime Navigation, 10 march 1988. <http://www.un.org/en/sc/ctc/docs/conventions/Conv8.pdf>

دارد. در این قسمت به مقایسه دزدی دریایی در دو کنوانسیون پیش گفته و تبیین تحول در مفهوم آن پرداخته می‌شود. براساس دو کنوانسیون ۱۹۵۸ و ۱۹۸۲، دزدی دریایی باید خشونت نامشروع، توقیف، چپاول یا غارت و یا مشارکت یا تحریک به این اعمال باشد. حال آنکه، دزدان دریایی در سواحل سومالی و خلیج عدن، به اندازه‌ای قدرت گرفته‌اند که گاهی بدون نیاز به این اعمال، و تنها با تهدید دست به دزدی دریایی می‌زنند و اقدام به گروگان‌گیری و باج‌خواهی می‌کنند. طبق این دو کنوانسیون، دزدی دریایی باید در منطقه خارج از صلاحیت دولت‌ها نظیر دریای آزاد و منطقه انحصاری اقتصادی وقوع یابد؛ این در حالی است که در دزدی دریایی تحول یافته، دزدان در قلمرو تحت صلاحیت دولت و حتی در آب‌های داخلی و بنادر آن اقدام به این کار می‌کنند. شایسته توجه است که دزدی دریایی به آن‌گونه که در کنوانسیون‌های حقوق دریاهای آمده است باید حتماً از سوی کشتی یا هواپیمای دیگر صورت پذیرد. لذا، دزدی اشخاص در عرشه کشتی و همین‌طور دزدی دریایی به وسیله قایق‌های تندرو در دایره مفهوم دزدی دریایی بدان‌گونه که در این دو معاهده آمده است جای نمی‌گیرد. این تحول به مورد تهاجم نیز تسری یافته است؛ توضیح این که در دزدی دریایی سنتی، کشتی یا هواپیما مورد دزدی دریایی واقع می‌شود، (United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982: Art.101) اما دزدان دریایی در سواحل سومالی و خلیج عدن قایق‌های ماهیگیری و تفریحی، سکوها و تانکرهای نفتی و شیمیایی را نیز مورد دزدی قرار داده‌اند. (Stracke & Bos, 2009: 34) نیز، در دو کنوانسیون پیش‌گفته آمده است که دزدی دریایی باید به منظور نفع شخصی باشد؛ این در حالی است که تقریباً احراز شده است که دزدان دریایی در سواحل سومالی و خلیج عدن، به مستمندان کمک می‌کنند (بیگزاده، ۱۳۸۹: ۲۳) و چنانچه خود ادعا دارند اقدام آن‌ها به منظور انتقام‌گیری از صاحبان ثروت است که با تخلیه پسماندهای کشور خود در قلمرو دریایی سومالی (تقی‌زاده، پیشگفتار دکتر محمدرضا ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۱: ۱۵) و ماهیگیری غیرمجاز در آن‌جا ثروت‌اندوزی کرده‌اند. (قربان‌پور، ۱۳۸۸: ۲۲۱)

به این ترتیب، صرف تکیه بر مقرره‌های مندرج در کنوانسیون‌های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۲ برای مقابله با دزدی دریایی در سواحل سومالی و خلیج عدن کافی نیست و از این

روست که سخن از تحول در مفهوم دزدی دریایی آمده است. شناخت هرچه بهتر از مفهوم دزدی دریایی نوین و چگونگی تحول در آن مستلزم ترسیم تمایز میان مفهوم مطروح و برخی دیگر از مفاهیم مشابه است؛ خاصه آن که بعضاً بر آنند که دزدی دریایی نوین را باید ذیل تروریسم بررسی کرد. (پوربافرانی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۵ و ۴۶) حال آن که تروریسم به رغم سیزده کنوانسیون که در مورد آن وجود دارد، هنوز برخوردار از تعریفی جامع که مورد قبول همگان باشد نیست چه رسد به این که بخواهد موجب نوافکنی بر مفهوم دیگری نظیر دزدی دریایی نوین گردد. در خصوص دزدی دریایی نوین این مسأله مطرح است که آیا دزدی دریایی را می‌توان یک عمل تروریستی قلمداد کرد؟ در این باره نخست باید به تعریف جامع و دقیقی از تروریسم دست یافت. اگر چه کنوانسیون تأمین مالی تروریسم که تروریسم را تعریف کرده است، درصدد ارائه تعریفی جامع و مانع از آن نبوده است؛ بلکه تنها از دید کنوانسیون در موضوع خاص تأمین مالی تروریسم این مفهوم را تعریف کرده است. در تعریف تروریسم براساس حقوق بین‌الملل عرفی، باید گفت که هنوز تعریف قاعده‌مندی در این خصوص در حقوق بین‌الملل عرفی وجود ندارد و تنها از مصداق به اصل رسیده می‌شود نه از اصل به مصداق.

با این همه، با توجه به وضعیتی که دزدی دریایی نوین دارد و ارعابی که به دنبال خود می‌آورد، از آن به تروریسم دریایی هم یاد شده است. مخصوصاً این که کنوانسیون ۱۹۸۸ رم که هدف اصلی آن مقابله با اعمال تروریستی در دریا بوده است و هرگز به صراحت سخن از دزدی دریایی به میان نیاورده است اما بیشتر مقررات مربوط به آن در قبال دزدی دریایی نیز قابلیت اعمال دارد (Abhyankar, 2002: 14) و این خود ظن آن که دزدی دریایی به شکل نوین را دیگر نباید «دزدی دریایی» دانست چرا که با مفهوم سنتی و کهن آن خلط می‌شود و باید از آن به تروریسم دریایی یاد کرد را تقویت می‌کند. با این حال، با توجه به اینکه هنوز تعریف دقیق و جامعی از مفهوم تروریسم که مورد پذیرش جامعه بین‌المللی باشد در دست نیست و نیز از آنجا که اهدا دزدان دریایی نوین، سیاسی نیست و مشخص نشده است که مورد حمایت گروه‌های تروریستی هستند یا این دزدان از آن‌ها حمایت می‌کنند، بهتر است که در قالب مفهوم دزدی دریایی، این وقایع بررسی و به مقابله با آن‌ها پرداخته شود (چشمه خاور، ۱۳۸۹: ۱۴۲) نه تروریسم

که خودش هنوز چارچوب مشخص و دقیقی ندارد. از آن جا که سازمان یافتگی گروه-های دزد دریایی، این دزدی‌های دریایی را می‌توان از اقسام جرایم سازمان‌یافته فراملی دانست. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۲۳۴) (شاکری و آذری، ۱۳۹۴: ۲۵۲ و ۲۶۴).

## ۲. احراز مسئولیت بین‌المللی دزدان دریایی نوین: بنیان‌ها و چالش‌ها

مسئولیت بین‌المللی یکی از زمینه‌های حقوق بین‌الملل عمومی است که در پس نقض تعهد بین‌المللی، خواه معاهداتی باشد و خواه غیرمعاهداتی، مطرح می‌گردد. حقوق مسئولیت بین‌المللی بر این اصل استوار است که دولت یا سازمان بین‌المللی مسئولیت رفتار متخلفانه‌ای دارد که خودش آن را مرتکب شده است. عمل متخلفانه بین‌المللی دولت ممکن است شامل یک یا چند فعل یا ترک فعل یا ترکیبی از هر دو باشد. حقوق مسئولیت بین‌المللی راه اصلی خود را با تکیه بر اصل مسئولیت «مستقل» یا «شخصی» دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌پیماید. جهت احتراز از خلط مفهوم «مسئولیت شخصی» دولت و سازمان بین‌المللی با مفهوم «مسئولیت شخصی» که برای مسئولیت اشخاص در ادبیات حقوق بین‌الملل کیفری به کار گرفته می‌شود استفاده از عبارت «مسئولیت مستقل» در حقوق مسئولیت بین‌المللی مناسب‌تر دانسته می‌شود. به تعبیر کمیسیون حقوق بین‌الملل این نام گذاری از آن جهت مناسب است که هر یک، مجموعه تعهدات بین‌المللی خاص خود و مسئولیت‌های مربوط به آن را دارد (ILC, Yearbook, 2001: 64) به موجب اصل مسئولیت مستقل، دولت یا سازمان بین‌المللی را می‌توان در صورت نقض تعهد و قابلیت انتساب، مسئول رفتار متخلفانه خودش دانست. یعنی آن‌ها مسئولیت رفتاری را دارند که نقض تعهدات بین‌المللی آن‌ها قلمداد شود و به آن‌ها منتسب باشد (ILC, 2001: 128). این اصل بنیادین نظام مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها است که هر دولتی بابت عمل متخلفانه‌ای که به آن قابل انتساب است، مسئولیت دارد (Crawford, 2013: 395).

اصل مسئولیت مستقل به خوبی در طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت (از این پس طرح ۲۰۰۱ خوانده می‌شود) انعکاس یافته است. این اصل اساسی در ماده ۱ این مجموعه مواد جای گرفته است: «هر عمل متخلفانه بین‌المللی دولت موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌شود». در واقع کمیسیون با

آوردن واژه «آن دولت» اصل را بر مسئولیت دولت مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی نهاده است. ماده ۳ از طرح ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (از این پس طرح ۲۰۱۱ خوانده می‌شود) هم به همین ترتیب در خصوص سازمان‌های بین‌المللی عمل کرده است و اظهار می‌دارد: «هر عمل متخلفانه بین‌المللی سازمان بین‌المللی موجب مسئولیت بین‌المللی آن سازمان می‌شود.» (ILC, 2011: 80 and 81)؛ در شرح و تفسیر کمیسیون از این ماده آمده است که ماده گفته شده ناظر بر مواردی است که در آن‌ها یک سازمان متحمل مسئولیت بین‌المللی می‌شود و عمدتاً به مواردی مربوط می‌شود که خود سازمان مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شده باشد. در این خصوص، طرح ۲۰۱۱ هم در همان مسیری گام برداشته که پیش‌تر طرح ۲۰۰۱ آن را پیموده است. (ستایش‌پور و حدادی، ۱۳۹۶: ۷۷۳-۷۷۵).

بدین ترتیب، این امر نشان از آن دارد که گزاره مسئولیت بین‌المللی مستقل، به عنوان اصل، همچو یک روح یا به تعبیری، سنگ‌بنای اساسی بر شالوده و شاکله حقوق مسئولیت بین‌المللی حاکم است. با توجه به آن چه که در خصوص سنگ‌بنای حقوق مسئولیت بین‌المللی گفته شد، باید گفت که علی‌الاصول دولت سوماتی مسئول دانسته می‌شود اما با توجه به محرز بودن ناتوانی دولت سوماتی در مقابله با دزدان دریایی (ضیائی بیگدلی و تقی‌زاده، ۱۳۹۳: ۴۱۰) وضعیت متفاوت می‌شود و تا آن‌جا که مربوط به وضعیت ناتوانی دولت باشد نمی‌توان سوماتی را مسئول دانست ولی در غیر این موارد طبق قواعد عام مسئولیت، عمل متخلفانه بین‌المللی دولت دانسته می‌شود و متضمن مسئولیت بین‌المللی آن است (ILC, 2001: Art. 1).

درست است که کمیسیون حقوق بین‌الملل، اصل را بر مسئولیت بین‌المللی دولت یا سازمان بین‌المللی مباحث عمل متخلفانه بین‌المللی می‌نهد، از مسئولیت داشتن «در ارتباط با» عمل دیگری، که به اقتضای قضایای مطروح می‌تواند دولت یا سازمان بین‌المللی یا هر دو باشد، نیز سخن به میان می‌آورد. این همان چیزی است که از آن به مسئولیت مشترک یاد می‌شود. کمیسیون در طرح ۲۰۰۱ سه حالت «کمک یا مساعدت»، «هدایت و کنترل» و «اجبار» را داخل در این مجموعه مواد دانسته حال آن که در طرح ۲۰۱۱ مضاف بر این سه، حالت «گریز از تعهد بین‌المللی» را نیز بدان‌ها



افزوده است. که البته نباید این‌گونه پنداشته شود که گریز از تعهد بین‌المللی، تنها منحصر به سازمان‌های بین‌المللی است و در قبال دولت‌ها قابل اعمال نیست. کمیسیون از این جهت، مسئولیت بین‌المللی مشترک دولت در ارتباط با گریز از تعهد بین‌المللی را در طرح ۲۰۰۱ خود نیاورده است که با بحث سازمان‌ها ملازمه داشته است. چنین گزاره‌ای، پیش از این در نظام‌های حقوق داخلی هم وجود داشته است و در واقع به صورت مستقیم و غیر مستقیم، چراغ راه گزارشگران بوده است. مسئولیت ناشی از عمل دیگری، مسئولیت ناشی از فعل غیر و ... عباراتی است که در نظام‌های ملی وجود دارد. اقتضای عدالت است که هیچ کس بابت نقشی که در عمل متخلفانه ارتكابی داشته است، بدون مسئولیت به حال خود واسپرده نشود.

گفتنی است یکی از زمینه‌های مهم مسئولیت بین‌المللی که در واقع برگرفته از نظام‌های حقوقی داخلی یا بهتر بگوییم وام‌دار مفاهیم پیشینی در این نظام می‌باشد، مسئولیت مشترک است. به طور کلی گفتنی است که اگرچه اصول تشکیل دهنده برخی مفاهیم به کار رفته در حقوق داخلی می‌توانند در حقوق بین‌الملل مفید افتند (Noyes, 1988: 249-251) and Smith, 1988: 249-251) اما در این راه نباید تند رفت. قاضی سیما در قضیه سکوهای نفتی استفاده از اصول حقوق داخلی در عرصه بین‌المللی را کاری سخت خوانده است (ICJ Judgment, 2003: 161, 354). حال آن که، قاضی شهاب‌الدین در نظریه خود طی قضیه برخی زمین‌های فسفات در نائورو پیشنهاد کرده است که از اصول تثبیت شده حقوق داخلی استفاده شود (ICJ Judgment, 1992: 240, 285). نظام مسئولیت بین‌المللی در گام‌های اولیه خود به آن دسته از اعمال متخلفانه بین‌المللی که صرفاً ماهیتی دوجانبه داشتند منحصر می‌شد (Spinedi, 2002: 1107). که خود به فراخور این بود که بیشتر نقض‌های حقوق بین‌الملل تک بعدی بودند. حال آن که در جامعه کنونی بین‌المللی به ندرت پیش می‌آید که تنها یک بازیگر در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی نقش داشته باشد و نقض تعهدات بین‌المللی با همکاری بازیگران عرصه بین‌المللی انجام می‌شود. (Lanovoy, 2014: 134).

راه‌های زیادی وجود دارد تا چندین بازیگر بتوانند از رهگذر آن‌ها به انجام چنین عملی دست بزنند و به دنبال آن مسئولیت بین‌المللی در ارتباط با عمل

دیگری مطرح شود. امکان طرح این قسم از مسئولیت در زمینه‌های مختلف از فعالیت‌های بشری وجود دارد. حقوق بین‌الملل پناهندگی، حقوق بین‌الملل بشر، حقوق بین‌الملل بشردوستانه، حقوق بین‌الملل کیفری، حقوق بین‌الملل محیط زیست، حقوق بین‌الملل دریاها، حقوق بین‌الملل اقتصادی و حقوق بین‌الملل هوا و فضا (see <http://www.sharesproject.nl/news>) تنها نمونه‌هایی از این زمینه‌ها هستند که امکان اعمال مسئولیت در ارتباط با عمل دیگری در خصوص آن‌ها وجود دارد و مطالعات گسترده‌ای در سطح بین‌المللی بر روی آنان صورت گرفته است؛ حال آن که این فقر در آثار فارسی به شدت مشهود است. (ستایش‌پور و حدادی، ۱۳۹۶: ۷۷۵-۷۷۶) با توجه به این که حقوق مسئولیت بین‌المللی متضمن تعهدات ثانویه است، نقض تعهد اولیه‌ای باید صورت بپذیرد و آن نقض، منتسب شود که بتوان مسئولیت را اعمال کرد (شاو، ۱۳۹۴: ۱۱ و ۱۲).

نیز در خصوص نقض نیز گفتنی است که نقض تعهدی باید صورت پذیرد که بین‌المللی باشد صرف نظر از این که مبنا و منشاء آن چه باشد. در واقع همین که تعهدی بین‌المللی نقض بشود به شرط تحقق انتساب کفایت می‌نماید. حال، می‌تواند از رهگذر هر یک از منابع حقوق بین‌الملل بدان گونه که در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری آمده است ایجاد شده باشد (Pellet, 2012).

کمیسیون حقوق بین‌الملل به عنوان نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل در خصوص مبنا نیز خود را در مسیر تابیده آن گرفتار نکرده و به درستی و هوشمندانه آن را به مقوله تعهد اولیه واسپرده است. یعنی این تعهد اولیه است که مبنا را خطا یا خطر یا تلفیقی از آن دو قلمداد می‌کند نه تعهد ثانویه. با تدقیق در قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌توان به تعهداتی که بر عهده دیگر تابعان فعال حقوق بین‌الملل؛ خواه دولت خواه سازمان بین‌المللی است دست یافت. البته در این راه گفتنی است که قطعنامه‌های شورای امنیت لزوماً منجر به قاعده سازی نمی‌شود بلکه قطعنامه‌های شورای امنیت چنانچه به موجب فصل ششم بوده و جنبه توصیه‌ای داشته باشد تنها می‌تواند خبر از وجود یک قاعده از پیش موجود، خواه از جمله و به ویژه قاعده حقوق بین‌الملل عرفی بدهد یا دست کم به عنوان رویه در ایجاد

آن نقش داشته باشد؛ اما چنانچه مفاد قطعنامه الزام آور باشد و به موجب فصل هفت منشور سازمان ملل متحد صادر شده باشد، می‌تواند جنبه قاعده سازی داشته باشد. در خصوص قطعنامه‌هایی که شورای پیش‌گفته در خصوص دزدی دریایی صادر کرده است، همه و همه در قسم نخست جای می‌گیرند یعنی تنها اعلام قواعد از پیش موجود است و نه وضع قاعده جدید.

تعهدات اولیه دول دیگر در رابطه با دزدی دریایی در سواحل سومالی و خلیج عدن بدین قرار است، محاکمه و استرداد متهمین بازداشت‌شده به دزدی دریایی و همکاری بین‌المللی و جرم‌انگاری. با توجه به تکالیفی که شورای امنیت در قطعنامه‌های خود بر آن‌ها تأکید دارد، نقض این تعهدات، مسئولیت بین‌المللی دولت را در پی خواهد داشت. (1) Art. 2001: ILC, 2001 از این‌رو، بسیاری از کشورها را می‌توان با تکیه بر مسئول اشتقاقی بدان گونه که در مجموعه مواد ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل آمده است مسئول دانست.

### ۳. بایستگی ایجاد یک محکمه نوین یا کاربست دادگاه‌های موجود؟

محاکم بین‌المللی، همچون محاکم داخلی، باید پیش از رسیدگی به هر مسأله‌ای، نخست احراز کنند که صلاحیت رسیدگی و صدور حکم در مورد موضوع متنازع فیه را دارند. چه این گونه نباشد نقض حقوق بشر متهمین دانسته می‌شود. این امر در جامعه بین‌المللی به جهت ساختار عرضی که دارد بیشتر نمود و بروز دارد. به موجب اصول صلاحیتی که برای محاکم داخلی پذیرفته شده است، مراجع قضایی ملی، طبق یکی از اصول صلاحیت سرزمینی، شخصی (فعال و منفعل)، جهانی و واقعی از صلاحیت رسیدگی به پرونده مطروح برخوردارند. در خصوص مراجع قضایی فراملی نیز باید حتماً اصل صلاحیت بین‌المللی احراز گردد؛ چه در غیر این صورت بدون تردید نقض حقوق بین‌الملل و به طور نقض حقوق بشر و حق متهمین بر دادرسی عادلانه است. آن چه در این باره راجع به دزدی دریایی نوین حائز اهمیت است صلاحیت دولت صاحب پرچم، صلاحیت جهانی و صلاحیت بین‌المللی است چرا که از یک سو، در صورت احراز، تردیدی در دیگر موارد (اصل صلاحیت سرزمینی و اصل صلاحیت شخصی و واقعی) وجود ندارد و افزون بر این، چنانچه شورای امنیت تأکید دارد، به جهت ناتوانی دولت

سومالی (ناتوانی در اعمال اصل صلاحیت سرزمینی و شخصی و واقعی)، آن چه که جامعه بین‌المللی بیشتر فراروی خود می‌بیند توسل به اصل صلاحیت جهانی و اصل صلاحیت بین‌المللی است که در ادامه، اعمال آن‌ها در قبال دزدان دریایی نوین به زیر ذره بین برده خواهد شد. لیک چنانچه پیش‌تر ایضاح شد، پرداختن به این دو اصل بنیادین به مثابه عدم امکان اعمال اصول دیگر صلاحیتی نیست و عملکرد شورای امنیت نیز مؤید این امر است.

سومالی در شاخ آفریقا واقع شده است و دور تا دور آن را آب فراگرفته است و از این رو سواحل بسیار گسترده‌ای دارد. وقتی سخن از دزدی دریایی در سواحل سومالی می‌شود، صرفاً دریای سرزمینی این کشور مدنظر نیست بلکه دریای آزاد و منطقه انحصاری اقتصادی نیز مطرح است که خلیج عدن هم در منطقه دریای آزاد واقع شده است. سومالی با بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر مرز دریایی، (کیانی مقدم و دیگران، ۱۳۹۱: ۳) در مجموع، گستره منطقه تهدید دزدی دریایی در منطقه بیش از ۲ میلیون مایل است. (سوری، ۱۳۸۹: ۶۷) به طور کلی در دریای آزاد و منطقه انحصاری اقتصادی، اصل بر صلاحیت دولت صاحب پرچم کشتی است. از آنجا که از همان ایام کهن دزدی دریایی، جرم علیه بشریت دانسته می‌شده، دزدی دریایی از اولین مصادیق امکان اعمال صلاحیت جهانی احصا گشته است. اعمال صلاحیت جهانی در مقابله با دزدی دریایی در سواحل سومالی و خلیج عدن گسترش مفهومی داشته که تا پیش از این، سابقه نداشته است.

در کنار این گسترش صلاحیت جهانی به منظور محاکمه و مجازات دزدان دریایی نوین در محاکم داخلی، سخن از صلاحیت بین‌المللی دادگاه بین‌المللی نیز در محاکمه و مجازات این دزدان به میان آمده است. تعقیق کیفری از رهگذر اصول صلاحیتی قابل اعمال بوده که صلاحیت جهانی یکی از این اصول است. براساس اصل صلاحیت جهانی، صرف نظر از این که جرم در سرزمین کدام کشور قرار گرفته، مجرم یا بزه‌دیده تابعیت کدام کشور را دارند، دادگاه داخلی دولتی که نه جرم در آن صورت گرفته، نه هیچ یک از مجرم و بزه‌دیده تابعیت آن را ندارند و نه به طور مستقیم امنیت داخلی یا خارجی آن را تهدید می‌کند، برای تعقیب و محاکمه برخی مجرمین صالح دانسته می‌شود. (نجفی

اسفاد و جهانی، ۱۳۸۹: ۹۳) دزدی دریایی قدیمی‌ترین مصداق اعمال صلاحیت جهانی است. مراجع قضایی هر کشوری که دزدان دریایی را در قلمرو حاکمیتی خود یا دریای آزاد دستگیر کنند از صلاحیت محاکمه آنان برخوردارند. (United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982: Art.105) امروزه نه تنها کشور دستگیر کننده صلاحیت محاکمه متهمان به دزدی دریایی را دارد بلکه متعهد است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۲۳۵) که آنان را یا مسترد دارد یا محکمه نماید. ماده ۱۰۵ کنوانسیون ۱۹۸۲، صرف نظر از وجود یا نبود هر گونه مقرره داخلی، امکان محاکمه این دزدان را در محاکم داخلی میسر ساخته است (United Nations Convention on the Law of the Sea, 1982: Art.105) اما وجود مقرره دقیق داخلی اعمال آن را تسهیل می‌کند و جای هیچ تردیدی در آن باقی نمی‌گذارد.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، با احراز دزدی دریایی در سواحل سومالی به عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی، امکان اعمال صلاحیت جهانی را بر دریای سرزمینی، آب‌های داخلی و حتی بنادر این کشور توسعه داد اما در این راه، محدودیت‌هایی ایجاد کرد: رضایت دولت سومالی که این رضایت به شکل دعوت صریح و علنی سومالی محقق شده است؛ (S/RES/1846 (2008), para.11) (S/RES/1851 (2008), para.10) محدودیت زمانی از جمله به ۶ یا ۱۲ ماه که البته قابل تمدید است؛ (S/RES/1816 (2008), paras. 12, 13 & 15) و محدودیت مکانی به موقعیت سومالی و نه سایر موقعیت‌ها (S/RES/1816 (2008), para.9) (S/RES/1846 (2008), para.11). در تعقیب کیفری دزدان دریایی در سواحل سومالی و خلیج عدن بارها پیش آمده است که دستگیرکنندگان دزدان دریایی، صلاحیت محاکمه و مجازات آنان را به کشوری انتقال داده‌اند که اصلاً صلاحیت رسیدگی به آنان را ندارد. این انتقال صلاحیت تحت سندی با عنوان یادداشت تفاهم میان کشورهای از جمله انگلستان، آمریکا و دانمارک و سازمان اتحادیه اروپا با کشورهای منطقه به ویژه کنیا بوده است. (Eugene Kontorovich, 2010: 225) در این باره، این سؤال مطرح است که آیا امکان تفویض صلاحیت محاکمه و مجازات متهمین از سوی بازداشت‌کنندگان به کشور دیگری که براساس هیچ یک از اصول صلاحیتی، صلاحیت ندارد ممکن است؟ گفتنی است که

اگرچه این اسناد تفویض صلاحیت، تحت عنوان یادداشت تفاهم هم باشد، اما در واقع باری بیش از یادداشت تفاهم دارند چرا که تعهدی در قبال یکدیگر کرده‌اند؛ نام در سند اهمیت ندارد و محتوای سند که ماهیت آن را مشخص می‌کند.

از این‌رو، نمی‌توان آن‌ها را صرف یک سند سیاسی یادداشت تفاهم دانست. اگرچه چنین تفویض صلاحیتی به لحاظ حقوقی محملی از صحت ندارد اما از آنجا که مانع از بی‌کیفرمانی دزدان دریایی می‌شود مورد تشویق شورای امنیت قرار گرفته است. به رغم آن که شورای امنیت تقدیر هم کرده است ولی به لحاظ حقوقی این ایراد پابرجاست. از نظر حقوقی نمی‌توان این صلاحیت را با توافق تفویض کرد. شاید به همین دلیل هم بوده است که به طور مثال انگلستان، این اسناد را تحت عنوان انتقال صلاحیت مطرح کرده است نه استرداد. البته این امر تفاوتی در ماهیت امر نمی‌کند. حقیقت آن است که با چنین تفویضی صلاحیتی، عدالت کیفری هم زیر سوال می‌رود. در این خصوص، حقوق متهمان در مفهوم عام آن محل بحث است. متهمان به دزدی دریایی در سواحل سومالی و خلیج عدن در دادگاه کشوری که به موجب توافقنامه اعمال صلاحیت می‌کند می‌توانند پیش از هر چیز به صلاحیت دادگاه و اساس رسیدگی خدشه وارد کنند.

بدین ترتیب، صرف نظر از بحث‌ها و ابعاد دیگر از جمله دادرسی عادلانه، مسأله این است که اصلاً اعمال صلاحیت بر چه اساسی صورت گرفته است و دادگاه کنیا بر چه اساسی خود را صالح برای رسیدگی دانسته است. شاید کیفر این دزدان از نظر اخلاقی و سیاسی امر پسندیده‌ای باشد اما به لحاظ حقوقی اشکال دارد. همسو با این موضع، برخلاف آن که صلاحیت جهانی از سوی محاکم داخلی قابلیت اعمال دارد، صلاحیت بین‌المللی از سوی مراجع بین‌المللی اعمال می‌شود. در صورتی که مرجع قضایی بین‌المللی وجود داشته باشد که براساس اساسنامه خود از صلاحیت رسیدگی به جرم برخوردار باشد، چنین صلاحیتی، صلاحیت بین‌المللی نامیده می‌شود. شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه ۱۹۱۸ در سال ۲۰۱۰ از دبیرکل سازمان ملل خواست که ظرف مدت سه ماه، طی گزارشی گزینه‌های احتمالی برای پیگرد و کیفر اشخاص مسئول اعمال دزدی دریایی و راهزنی مسلحانه در نزدیکی سواحل

سومالی، از جمله تأسیس شعبه‌های داخلی خاص با صلاحیت بین‌المللی، محکمه منطقه‌ای، بین‌المللی یا مختلط به شورا ارائه کند. (S/RES/1918, 2010: p. 3, para. 4)

در این راستا، دبیرکل سازمان ملل متحد، راه‌حل‌های هفت‌گانه‌ای را تهیه و تقدیم شورا کرد که بیشتر ناظر بر لزوم تشکیل دادگاه ویژه بود. (See S/2011/360, 2011)

تاکنون شورای امنیت درصدد تشکیل چنین دادگاهی بوده است و در قطعنامه‌های خود از جمله، قطعنامه ۲۰۱۵ در اکتبر ۲۰۱۱ از تمام دول عضو ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهد به نحوی از جمله حمایت از کارهای دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد و برنامه توسعه ملل متحد و همین‌طور کمک مالی، از تشکیل دادگاه‌های ویژه برای مقابله با دزدی دریایی در منطقه پشتیبانی کنند. (S/RES/2015, 2011, pp. 4 and 5, para.19)

۲۰۱۶، از تمام دولت‌ها خواسته شده است که ضمن جرم‌انگاری داخلی دزدی دریایی، به نحوی از رویکرد تشکیل دادگاه ویژه برای مقابله با دزدی دریایی هم حمایت نمایند. (S/RES/2316 (2016), p. 8, para.19).

حبس یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که در چارچوب یک حمله گسترده و سازمان‌یافته علیه جمعیت غیرنظامی صورت گیرد و یا اعمال غیرانسانی مشابه دیگر که عامداً به قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و روانی انجام پذیرد از مصادیق مصرح جنایت علیه بشریت در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری است که با تدقیق در دزدی دریایی نوین، تمام این شرایط را می‌توان در اقدامات این دزدان یافت. بنابراین دزدی دریایی نوین را می‌توان از مصادیق جنایت علیه بشریت دانست (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۴: ۲۳۴). از این روست که دیوان بین‌المللی کیفری به عنوان تنها مرجع قضایی کیفری در پهنه جهانی دانسته می‌شود که برخوردار از صلاحیت بین‌المللی است، به منظور مقابله با بی‌کیفرمانی ایجاد شده است، به لحاظ موضوعی صلاحیت رسیدگی به جنایت علیه بشریت است (<https://www.icc-cpi.int/about>).

## نتیجه‌گیری

تحول مفهومی در دزدی دریایی، یعنی اقداماتی که دزدان دریایی نوین مرتکب آن می‌شوند به گونه‌ای است که به لحاظ حقوقی از نص و منطوق کنوانسیون ۱۹۵۸ ژنو در خصوص دریای آزاد و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها خارج است و مشمول آن دانسته نمی‌شود. این دزدی‌ها لزوماً در دریای آزاد یا منطقه انحصاری اقتصادی صورت نمی‌گیرند؛ حال آن که در کنوانسیون‌های پیش‌گفته سخن از دزدی دریایی در دریای آزاد به میان آمده است. این مسأله موجب شده است تا مواجهه با پدیده شوم دزدی دریایی با چالش رکن قانونی روبرو باشد؛ چه عدول از این رکن، منجر به قاعده عقلی و پذیرفته شده قبح عقاب بلابیان خواهد شد که به لحاظ منطقی، اخلاقی، حقوقی و شرعی مذموم است.

در این راه باید توجه داشت که حتی در صورت عدم تصویب کنوانسیون جامعی در خصوص مقابله با دزدی دریایی، پایبندی به مقرره‌های کنوانسیون‌های موجود به ویژه کنوانسیون ۱۹۸۸ رم و پروتکل ۲۰۰۵ آن می‌تواند بسیار کارگشا باشند. اقدامات دزدان دریایی نوین به گونه‌ای است که هر کشور یا سازمان بین‌المللی که به نحوی از انحاء، حتی از طریق ترک فعل، مسیر آن‌ها را در این راه هموار سازد قطعاً مستلزم مسئولیت بین‌المللی آن دولت-کشور و سازمان بین‌المللی خواهد بود. امری که پیش‌تر در آورده-های کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد به عنوان نهاد علمی تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل به صراحت ذکر شده است و در آموزه‌های حقوقی از آن به مسئولیت غیرمستقیم و اشتقاقی یاد شده است و به لحاظ موضوعی از نخله‌های مسئولیت مشترک قلمداد می‌شوند و متضمن مسئولیت تضامنی خواهد بود. محاکم بین‌المللی، همچون محاکم داخلی، باید پیش از رسیدگی به هر مسأله‌ای، نخست احراز کنند که صلاحیت رسیدگی و صدور حکم در مورد موضوع متنازع فیه را دارند. در نبود یک دادگاه ویژه، می‌توان به تکیه بر اصول صلاحیتی که برای محاکم داخلی به رسمیت شناخته شده است درصدد مقابله با بی‌کیفرمانی دزدان دریایی در شکل نوین آن بود.

اصل صلاحیت جهانی به عنوان نقطه‌ای که تعامل حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی در آن نمود زیادی دارد راه حل خوبی است. با این حال بدیهی است که این امر نباید موجب فراموشی چاره اندیشی جهت جلوگیری از وقوع این جنایت بین‌المللی گردد؛ راه کار



اساسی و نهایی، ثبات سیاسی و استقرار حکومت مرکزی مقتدر در سومالی است. النهایه باید توجه داشت که بازداشت، محاکمه و مجازات دستگیرشدگان تا آن اندازه مقتضی است که هم سو با قواعد حقوق بشر، از جمله و به ویژه دادرسی عادلانه باشد. در واقع، لزوم کیفر دزدی دریایی نباید منجر به نقض حقوق بشر گردد؛ امری که تحقق آن، بدون تردید، همکاری واقعی بین‌المللی و تعامل بیش از پیش نظام‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی را می‌طلبد و اقتضا دارد؛ همکاری که واقعی و در ابعاد گونه‌گون تقنینی و اجرایی باشد.

## منابع و مأخذ

### الف) فارسی

#### - کتاب‌ها

۱. شاول، ملکم (۲۰۱۴)، حقوق بین‌الملل: مسئولیت بین‌المللی دولت و مسئولیت کیفری فردی، ترجمه اسماء سالاری، ۱۳۹۴، خرسندی، چاپ اول.
۲. تقی‌زاده، زکیه (۱۳۹۱)، تحول مقابله دزدی دریایی از منظر حقوق بین‌الملل، گنج دانش.

#### - مقالات

۳. بیگزاده، ابراهیم (۱۳۸۹)، دزدی دریایی: جنایتی کهن، ظهوری جدید، مجموعه مقالات دزدی دریایی از منظر حقوق بین‌الملل، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
۴. پوربافرانی، حسن؛ امیدی، علی و قلی‌زاده، بهروز (۱۳۹۶)، درآمدی بر یکسان‌انگاری جرم دزدی دریایی با تروریسم (با تأکید بر دزدی دریایی سواحل سومال)، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، شماره دوم.
۵. چشمه‌خاور، صالح‌الدین (۱۳۸۹)، دزدی دریایی از منظر حقوق بین‌الملل: بررسی آثار حقوقی قطعنامه‌های شورای امنیت بر حقوق بین‌الملل، مجموعه مقالات دزدی دریایی از منظر حقوق بین‌الملل، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
۶. حسین‌پور، خسرو (۱۳۹۴)، چالش‌های دزدی دریایی در حقوق بین‌الملل و ایران، دو فصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، شماره سی و یکم.

۷. ستایش‌پور، محمد و حدادی، مهدی (۱۳۹۶)، کنکاش در لزوم وجود نهاد «مسئولیت اشتقاقی» در آورده‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل، مطالعات حقوق عمومی، شماره سوم.
۸. سوری، محمد، دزدی دریایی (۱۳۸۹)، مجموعه مقالات دزدی دریایی از منظر حقوق بین‌الملل، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.
۹. شاکری، فرزانه و آذری، پریسا (۱۳۹۴)، نقش دفتر سازمان ملل متحد برای مقابله با مواد مخدر و جرم در مقابله با دزدی دریایی، مجموعه مقالات همایش تحولات حقوق بین‌الملل دریاها بیست سال پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق دریاها، گنج دانش.
۱۰. ضیائی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۴)، تحول در مفهوم دزدی دریایی و آثار آن در پرتو حقوق بین‌الملل، مجموعه مقالات همایش تحولات حقوق بین‌الملل دریاها بیست سال پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون حقوق دریاها، گنج دانش.
۱۱. ضیائی بیگدلی، محمدرضا و تقی‌زاده، زکویه (۱۳۹۳)، تأثیر دزدی دریایی بر اقتصاد جهانی؛ رهیافت‌های حقوق بین‌الملل، حقوق تجارت در عصر جهانی شدن، مجموعه مقالات اهدایی به استاد دکتر بهروز اخلاقی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۲. قربان‌پور، محمد (۱۳۸۸)، تحلیل عملکرد جامعه بین‌المللی در پاسخ به اقدامات دزدان دریایی در سواحل سومالی و خلیج عدن، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره چهل و یکم.
۱۳. کیانی مقدم، منصور و دیگران (۱۳۹۱)، بررسی و ارائه راهکارهای لازم جهت پیشگیری از پدیده دزدی دریایی از دیدگاه حقوق بین‌الملل (با تأکید بر دریای مکران)، مجموعه مقالات همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی ایران.
۱۴. نجفی اسفاد، مرتضی و جهانی، فرخزاد (۱۳۸۹)، دزدی دریایی و حقوق بین‌الملل؛ مروری بر حوادث سومالی، مجموعه مقالات دزدی دریایی از منظر حقوق بین‌الملل، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد.

**- Books**

15. Abhyankar, Jayant (2002). Piracy and Maritime Violence: A Continuing Threat to Maritime Industry, International Maritime Bureau.
16. Crawford, James D. (2013). State Responsibility: General Part, Cambridge University Press.
17. Stracke, Nicole and Bos, Marie (2009). Piracy: Motivation and Tactics, The Case of Somali Piracy, Gulf Research Center.

**- Articles**

18. Ahlborn, Christiane (2013). Adjudicating Somali Piracy Cases – German Courts in a Double Mind.
19. Lanovoy, Vladyslav (2014). Complicity in an internationally wrongful act. in Nollkaemper, André and Plakokefalos, Ilias, Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of The State of the Art, Cambridge University Press.
20. Noyes, John E. and Smith, Brian D. (1988). State Responsibility and the Principle of Joint and Several Liability, Yale Journal of International Law, vol. 13.
21. Kontorovich, Eugene (2010). A Guantanamo on the Sea: The Difficulties of Prosecuting Pirates and Terrorists, Northwestern University School of Law, Public Law and Legal Theory Research Paper Series, paper 37.
22. Pellet, Alain (2012), “Article 38”, in A. Zimmermann et al., The Statute of the International Court of Justice: A Commentary, 2nd edition, Oxford University Press.
23. Jessica N. M. Schechinger (2015). Responsibility for Human Rights Violations Arising from the Use of Privately Contracted Armed Security Personnel Against Piracy. Re-Emphasizing the Primary Role and Obligations of the Flag States, in Cedric Ryngaert, Erik J. Molenaar and Sarah M. H. Nouwen (eds.), What’s Wrong with International Law? Liber Amicorum A.H.A. Soons, Brill, Nijhoff Publishers.
24. Peppetti, Jon D. (2008). Building the Global Maritime Security Network: A Multinational Legal Structure to Combat Transnational Threats, Naval Law rev. vol. 73.
25. Spinedi, Marina (2002). From One Codification to Another: Bilateralism and Multilateralism in the Genesis of the Codification of

the Law of Treaties and the Law of State Responsibility, European Journal of International Law, vol. 13.

#### **– International Documents**

26. Convention for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Maritime Navigation, (1988).
27. ICJ Report, (1992). Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia).
28. ICJ Report (2003). Oil Platforms (Iran v. United States of America).
29. ILC Yearbook (2001). vol. II, part. 2, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Act.
30. ILC Report (2011). Report on the work of its sixty-third session, A/66/10, UNGAOR 66th Sess., Supp. No. 10. Draft Articles on Responsibility of International Organizations.
31. International Convention for the Safety of Life at Sea (SOLAS) (1974). 1 November.
32. International Convention Against the Taking of Hostages (1979). Adopted by the General Assembly of the United Nations on 17 December.
33. Protocol to the Convention for the Suppression of Unlawful Acts Against the Safety of Fixed Platforms located on the Continental Shelf (1988). 10 March.
34. S/RES/1816 (2008).
35. S/RES/1846 (2008).
36. S/RES/1851 (2008).
37. S/RES/1918 (2010).
38. S/RES/2015 (2011).
39. S/RES/2316 (2016).
40. United Nations Convention Against Corruption (2003).
41. United Nations Convention Against Transnational Organized Crime and the Protocols Thereto (2003).
42. United Nations Convention on the Contracts for the International Carriage of Goods Wholly or Partly by Sea (ROTTERDAM Rules) (2008).
43. United Nations Convention on the Law of the Sea (LOSC) (1982).

#### **- Websites**

44. <https://www.icc-cpi.int> (Last visited: 18.12.28)
45. <http://sharesproject.nl/> (Last visited: 18.12.28)